

کارنامه سه دهه ترجمه کتب ادیان در ایران پس از انقلاب اسلامی

دکتر منصور معتمدی، استادیار گروه ادیان
و عرفان دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

حوزه مطالعات ادیان، یکی از زمینه‌هایی است که ترجمه نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کند و بدون توسل به آن، آشنایی با بسیاری از عرصه‌های حیات دینی سایر ادیان امکان‌پذیر نمی‌نماید. از این رو، سابقه این امر را در ایران می‌توان تا روزگاران کهن، حتی تا زمان ساسانیان به عقب برد. در مقاله حاضر توجه اصلی نگارنده به ترجمه‌هایی است که در این سه دهه اخیر از کتب مربوط به ادیان انجام گرفته و انتشار یافته است. ما در این جا فقط به کتاب نظر داشته‌ایم و نه مقاله و پایان‌نامه و برای درک بهتر موقعیت کنونی بهتر دیدیم که به سابقه ترجمه در گذشته هم نگاهی گذرا بیافکنیم. از این رو، نخست تا دوران پهلوی اول بحث را دنبال کرده‌ایم. سپس نظری اجمالی به ترجمه‌های کتاب‌های ادیان تا انقلاب اسلامی انداخته‌ایم. در سه دهه اخیر کم‌و کیفاً جهشی در ترجمه کتب ادیان رخ داده است که در نوشتار حاضر به بررسی کلی و مختصر این ترجمه‌ها پرداخته‌ایم.

درآمد

لازمه شناخت دین‌های دیگر، آشنا شدن با دیدگاه‌ها، احساسات و آیین‌های آن ادیان است. از آن‌جا که متون مقدس دین‌های گوناگون به زبان‌های گوناگون است و این گوناگونی در زبان‌های پیروان ادیان نمود بیشتری پیدا می‌کند، تسلط بر زبان‌ها، که در مورد متون مقدس عمدتاً زبان‌هایی باستانی هم هستند، کاری دشوار است. به همین سبب ترجمه از زبانی واسطه و امروزی که هم تحصیل آن دشواری چندانی در بر ندارد و هم حاصل کوشش‌های دانشمندان متخصص را در این زمینه انتقال می‌دهد، امری بایسته و شایسته است. البته این سخن به آن معنا نیست که نباید به تألیف روی آورد، بلکه مقصود آن است که چون در مراحل نخست آشنایی با شیوه پژوهش در زمینه ادیان قرار داریم به ناگزیر باید از نتیجه تحقیقات سایر پژوهندگان بهره ببریم تا زمانی که قدرت و قابلیت پژوهش‌های عمیق را پیدا کنیم.

مطالعات ادیان به معنای امروزی آن، یکی از رشته‌هایی است که در ایران عمر دیربازی ندارد. البته اگر آنچه را در کتب ملل و نحل درباره ادیان و مذاهب غیر اسلامی آمده متعلق به این حوزه بدانیم، می‌توانیم پیشینه آن را در ایران و جهان اسلام دیرینه به شمار آوریم و حتی تا سده اول یا دوم ه. ق. و بلکه اگر کشمکش‌های موبدان با پیروان مانوی و مسیحی را نیز در نظر بگیریم، تا پیش از اسلام هم به عقب ببریم. اما اشکال کار در آن است که مطالب طرح‌شده در کتب و رسالات و موضع‌گیری‌های آن روزگار بیشتر صبغه کلامی دارند و به انگیزه رد آن مذاهب به نگارش درآمده‌اند و حالت بی‌طرفانه‌ای که امروزه ادعا می‌شود در آنها یا نیست، یا کم است. ابوریحان بیرونی هم هرچند با دانشمندان سلف و خلف خود تفاوت آشکاری دارد، و آثارش را تا حد زیادی می‌توان امروزی تلقی کرد، و چنان‌که خواهیم دید یکی از متون دینی غیر اسلامی را به عربی ترجمه کرده است، کارش روال متداول نشد.

نکته شایان توجه آن است که صرف‌نظر از بی‌طرفی در گزارش یا داوری، یکی از تازگی‌های مطالعات ادیان در روزگار حاضر آن است که این مباحث در دانشگاه‌ها و در قالب برنامه‌های درسی و آموزشی به دانشجویان ارائه می‌شود؛ حال آن‌که در گذشته چنین چیزی به هیچ‌وجه در مدارس سنتی وجود نداشت. از این رو، می‌توان گفت مطالعات ادیان، هم به عنوان حوزه‌ای پژوهشی و هم به عنوان یک شاخه یا رشته آموزشی در ایران سابقه‌ای کوتاه دارد.

می‌گویند سنگ بنای رشته آموزشی ادیان را شادروان اصغر حکمت در کمتر از نیم قرن پیش در دانشگاه تهران نهاده است. خواهیم دید که ایشان با عنایت به نقصان عظیم منابع یک کتاب مهم را در این زمینه به فارسی ترجمه کرد. اما دائر شدن چنین رشته‌ای در دانشگاه موجب آن نشد که این سنخ مطالعات برای عموم ایرانیان کتابخوان حوزه‌ای شناخته‌شده گردد و تا انقلاب اسلامی و حتی مدتی پس از آن، شاید معروف‌ترین کسی که پنداشته می‌شد در این حوزه صاحب‌نظر است، مرحوم دکتر شریعتی بود.^۱ یکی از عوامل اصلی این قبیل پنداشت‌ها و ناآشنایی با ادیان را باید کمبود منابع





اعم از تألیف و ترجمه دانست. با وجود آن که سابقه مطالعاتی فراگیر در زمینه ادیان در ایران یا بوده گسستی چند قرنه آن حاضر جدا کرده است، داشت که در آن سالها باره انجام گرفته باشد. از بازار ترجمه کتابهای ... رونق گرفت در کنار آن‌ها و به حق، ترجمه کتابهایی درباره ادیان نیز رواج یافت. ما می‌خواهیم کمیّت و موضوع کتابهای ترجمه‌شده به فارسی در زمینه ادیان را اجمالاً بررسی کنیم.

روش بررسی

در این نوشتار پیش از ورود در بحث اصلی که بررسی کم و کیف ترجمه‌های کتابهای مربوط به ادیان در این سه دهه اخیر است، به گونه‌ای مختصر سیر تاریخی ترجمه کتب ادیان را از پیش از اسلام تا سده چهاردهم ش. معرفی می‌کنیم برای معرفی این سیر تاریخی از منابعی استفاده شده که در متن مقاله به آن‌ها اشاره کرده‌ایم. برای کسب اطلاعات درباره کتب مترجم درباره ادیان از مقطع مذکور تا انقلاب اسلامی از دو کتب بهره گرفته‌ایم، یکی کتاب مشار و دیگری کتاب‌شناسی موضوعی ایران که مشخصاتشان در قسمت منابع آمده است. مبنای کار خود را برای بررسی کتب ترجمه شده بعد از انقلاب عمدتاً، جستجو در پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه ملی ایران قرار داده‌ایم.^۲

ما فقط به گردآوری اطلاعات مربوط به کتب مترجم پرداخته-ایم و از این رو، مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و ... را که از زبان‌های دیگر به فارسی درآمده‌اند، در نظر نگرفته‌ایم. انگیزه ما در این که این ترجمه‌ها را کنار گذاشته‌ایم آن بود که دامنه کار را محدود کنیم، و گرنه دایره کار چنان گسترده می‌شد که عملاً رسیدن به نتیجه نهایی را دشوار می‌ساخت. از طرفی، چون برای تحلیل وضعیت سه دهه ترجمه، توجه به کتاب که محصولی ماندگارتر و مستقل‌تر از سایر نوشته‌هاست، مقصد و مقصود ما را بیشتر و بهتر برآورد می‌کرد، محدوده کار را کتاب‌های ادیبانی ترجمه‌شده به فارسی قرار دادیم.

همچنین برای آن که این بررسی بهتر به ثمر برسد، محدودیت دیگری هم اعمال کردیم و آن این که موضوعات مورد جستجو در پایگاه مذکور را منحصر به چند عنوان کرده‌ایم. این عناوین عبارتند از: ۱. ادیان (به مفهوم عام) و همچنین دین‌ها؛ ۲. مسیحیت و مسیحی؛ ۳. یهودیت و یهود؛ ۴. بودا؛ ۵. هندو؛ ۶. زرتشتی و زرتشت. چنانکه گفتیم این محدود سازی برای آن است که بهتر به نتیجه برسیم و گر نه خود می‌دانیم که برای جامع‌تر شدن این

بررسی باید کلمات کلیدی دیگری مانند «کتاب مقدس»، «انجیل» و «اناجیل»، «تورات»، «فلسفه دین»، «کلام» و «کلام جدید»، «الهیات»، «مذهب» و «مذاهب»، «خدا»، «نبی» و «انبیاء»، «معاد»، «فرشتگان»، «اسطوره»، «آیین» و «الهیات» و ... را هم جستجو می‌کردیم، اما به مصداق «سنگ بزرگ علامت نردن است»، بهتر دیدیم دایره و دامنه بررسی را محدود سازیم. بدیهی است راه برای فعالیت و پژوهش بیشتر، باز است و می‌توان و بلکه باید گام‌های بهتر و دقیق‌تر و بزرگتری در این زمینه برداشت. یادآوری این نکته هم لازم است که پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه ملی پس از صدور فهرست پیش از انتشار، عناوین و سایر مشخصات کتب را در این پایگاه می‌آورد و حتی سال چاپ را هم ذکر می‌کند. اما باید دانست که همه مواردی که مشخصاتشان در این پایگاه درج شده انتشار نیافته‌اند و فهرست مذکور واقعاً «پیش از انتشار» است. با این همه، چون مرجع و مأخذ موثق‌تری نداریم یا اگر هست، من اطلاع ندارم، منبع گردآوری اطلاعات را همین سیاهه کتابخانه ملی در نظر گرفته-ایم. همچنین در آماری که به دست می‌دهیم، فقط یک چاپ، آن هم چاپ اول را در نظر گرفته‌ایم و نه چاپ‌های مکرر را و از طرفی اگر از کتابی چند ترجمه انجام گرفته باشد ما هر ترجمه را جداگانه و مستقل به شمار آورده‌ایم.

پیش از آن که به بحث اصلی خود که بررسی اجمالی کتاب‌های ترجمه شده در زمینه ادیان در بعد از انقلاب است، بپردازیم، بهتر دیدیم که به نحو بسیار گذرایی به سابقه ترجمه این کتاب‌ها در قرون پیشین اشاره بکنیم. در این جا بر «گذرا» و «اشاره» تأکید می‌ورزم، چون دامنه بحث چنان گسترده است که می‌توان آن را در قالب یک یا دو جلد کتاب عرضه کرد.

ترجمه کتب ادیان در ایران تا اوایل سده چهاردهم شمسی

ترجمه کتب و رساله‌های سایر ادیان پیشینه دیرینه‌ای در ایران دارد. این سابقه را با توجه به منابع موجود می‌توان تا روزگار ساسانیان به عقب برد و می‌توان ادعا کرد که ترجمه چنین نوشته‌هایی به زبان‌های ایرانی در ادوار کهن تری هم انجام می‌شده است. اما با توجه به منابع باقی‌مانده کنونی شاید نتوانیم این ادعا را به مدارکی مستند کنیم. به هر حال، ترجمه بخش‌هایی از کتاب مقدس مسیحیان را که در زمان ساسانیان انجام گرفته است، در اختیار داریم. بخشی از زبور یا مزامیر به زبان پهلوی ترجمه شده که در کشفیات تورفان به دست آمده است (تفضلی، ۳۵۳). همچنین برخی قسمت‌های کتاب مقدس شامل دانیال، متی، لوقا و یوحنا و همین‌طور اعمال برخی قدیسان و شهدای مسیحی و مواعظ و تفاسیر و مزامیر به زبان سغدی ترجمه

شده که امروزه موجودند. متن اصلی این آثار عمدتاً سریانی بوده و نستوریان ایران آنها را به پهلوی یا سغدی ترجمه کرده‌اند(همو، ۳۶۳-۳۶۴).

در حوزه ادیان شرقی، آنچه در حال حاضر از آن اعصار در دست داریم ترجمه آثاری متعلق به آیین بودایی است. ترجمه بلوهر و بوداسف از اصل هندی به پهلوی را اکنون در دست نداریم، اما ترجمه عربی آن را که از پهلوی انجام گرفته است، دو تن از علمای بزرگ شیعه، شیخ صدوق(د.۳۸۱ق.) و علامه مجلسی(د. ۱۱۱۱) روایت کرده‌اند(همو، ۳۰۱-۳۰۲؛ بلوهر و بوداسف، مقدمه مصحح، ص ۲۶). همچنین برخی دیگر از آثار بوداییان به جامه زبان سغدی در آمده است. این آثار سوتره‌های Sutras هندی و جاتکه‌ها Jatakas (داستان زندگی بودا) می‌باشند که از سنسکریت یا چینی ترجمه شده- اند(تفضلی، ۳۶۲).

روند ترجمه متون مقدس و سایر کتب ادیان در ایران بعد از اسلام هم تداوم یافت. البته مترجمان متون مقدس ادیان غالباً از پیروان همان دین‌ها بودند و به‌ندرت می‌بینیم که محقق مسلمان صرفاً با انگیزه علمی و پژوهشی به برگرداندن نوشته‌ها به زبان عربی یا فارسی همت بگمارد. در این میان شاید ابوریحان بیرونی استثناء باشد که صرفاً برای علائق علمی خود و بدون سائقه کلامی یا تبلیغی خاصی به ترجمه یوگه سوتره اثر پنتجلی Patanjali پرداخته است(شایگان، ۶۴۸/۲-۶۴۹). زیرا او همان گونه که در تحقیق ملاحظه‌اند نشان می‌دهد فردی حقیقت‌جوست و مطمئناً این ترجمه را هم برای نیل به همین هدف انجام داده است.

مترجمان متون مقدس سایر ادیان غالباً خود از معتقدان آن ادیان بودند که برای تبلیغ دین یا تسهیل فهم منابع آن دین‌ها به ترجمه آن متون مبادرت می‌ورزیدند. ذکر دقیق و کامل ترجمه‌های کتب دینی که در فاصله قرون دوم- سوم هجری تا اوایل سده چهاردهم ش. انجام گرفته نیاز به استقصایی همه‌جانبه دارد که این کار نه موضوع این نوشته است و نه این قلم ادعا دارد که چنین جستجویی را انجام داده است. از این رو، فقط از باب نمونه چند مورد را ذکر می‌کنیم و سپس سراغ بحث اصلی خود می‌رویم.

بعد از اسلام شاید کهن‌ترین برگردان فارسی، ترجمه‌هایی باشد که از تورات و سایر قسمت‌های عهد عتیق به فارسی انجام گرفته است و امروزه آنها را در دست داریم(نتصر، ۳/ص ۸۸-۱۱۷). بحث درباره این متون مجال و مقال دیگری می‌طلبد، اما همین قدر بگوییم که این متون به خط عبری و زبان فارسی‌اند؛ یعنی همان که در اصطلاح، به آنها متون فارسی- یهودی Judaeo-Persian گویند. یک مسیحی در عهد ایلخانیان انجیل دیاتسرون Diatesseron را که حاصل کنار هم قرار گرفتن انجیل چهارگانه با حذف زوائد

تکراری است، به فارسی ترجمه کرده است(انجیل دیاتسرون، ص ۵ و ۶؛ و مقاله رضائی باغبیدی). مؤلف کتاب دبستان مذاهب آنجا که به بیان احوال سرمد کاشانی(مقتول ۱۰۷۱ق) می‌پردازد چند باب نخست سفر پیدایش را که سرمد به فارسی ترجمه کرده بود، نقل می‌کند(دبستان، ص ۱۹۶-۲۰۲؛ آسموسن، ۱۱۰-۱۳۰ pp).

شماری از پادشاهان کشورهای اسلامی علاقه داشتند که متون مقدس دیگر ادیان را به زبانی که مفهوم خود و اطرافیانشان باشد، در اختیار داشته باشند. یکی از متأخرترین آنها همین ترجمه کامل کتاب مقدس به فارسی است که فاضل خان همدانی گروسی برای شاهان مغول هند انجام داده است(درباره ترجمه‌های کتاب مقدس به فارسی، رش مقاله فیشل). نمونه دیگر ترجمه میرمحمدباقر خاتون‌آبادی از انجیل برای شاه سلطان حسین است(خاتون‌آبادی، مقدمه مصحح، صص ۵۴-۵۹). همچنین شاهزاده دارا شکوه بنا بر انگیزه حق طلبانه- ای می‌خواست از متون دین‌های دیگر ترجمه‌ای در اختیار داشته باشد که بتواند از آنها برای اهداف معنوی‌اش بهره بگیرد. آثار زیادی به امر او به فارسی ترجمه شد که چاپ شده و نشر هم یافته‌اند، از آن جمله ترجمه اوپائیندها تحت عنوان سر اکبر را باید نام برد.

با توجه به این نمونه‌ها می‌توان گفت که در ادوار گذشته معمولاً برای مترجمان مسلمان و گاه غیر مسلمان ترجمه متون مقدس در اولویت قرار داشت. اما گاه آثاری غیر از متون مقدس ادیان هم به فارسی ترجمه شده است. مثلاً در اواخر سده نوزدهم، مترجمی آمریکایی با یاری یک ایرانی به برگردان فارسی کتاب جان بانیان John Bunyan همت

که انصاف را باید گفت که ترجمه‌ای شگفت‌انگیز است. صحت این حکم نمایان‌تر می‌شود که آن را با برگردان که همین چند سال پیش انجام گرفته مقایسه کنیم.

در خلال این برهه زمانی، برخی از مترجمان متون دینی ادیان دیگر، جدیدالاسلام‌ها بودند. اینان به سبب آشنایی یا تسلطی که به زبان متون مقدس خود داشتند و از طرفی با فرهنگ و زبان ایران آشنا بودند، این کار را به راحتی انجام می‌دادند. انگیزه ایشان هم غالباً رد و ابطال و نقد متن مقدس دین سابق خود و نشان دادن کاستی- های آن به هم‌کیشان سابق و لاحق خود بود. برای نمونه می‌توان به علیقلی جدیدالاسلام، معاصر شاه سلطان حسین(حک. ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ق) اشاره کرد که پس از اسلام آوردن سیف المؤمنین فی قتال المشرکین را در ترجمه و تفسیر سفر پیدایش نوشته است(خاتون‌آبادی، مقدمه مصحح، صص ۳۶ و ۴۰).



زیبا و در صورتی فارسی است،^۴

دوران پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ش.)

در این برهه که اندکی بیش از نیم قرن را شامل می‌شود، کتاب‌های اندکی را سراغ داریم که در زمینه ادیان به فارسی درآمده باشد. کتاب‌هایی به قلم ا. اژرته^۵ E. Aegerter، جان بی ناس^۶ John Boyer Noss، فلیسین شاله^۷ F. shaliaye، جوزف گتر^۸ J. Gaer و راداکریشنان^۹ Radha krisnan در دههٔ چهل به فارسی ترجمه شده و احیاناً بعداً تجدید چاپ هم شده‌اند. در این میان، به- جان ناس اشاره کنیم که چاپ می‌شود. شاید یکی کتاب چنین مورد اقبال باشد که در رشته «ادیان های کشور این کتاب جزء و دکتری قرار دارد. ترجمه کتاب در چاپ‌های نخست اشتباهات آشکار و فراوانی داشت و در تجدید چاپ آن که بعد از انقلاب انجام گرفت و با ویرایش آقای پرویز اتابکی و ظاهراً ویرایشی که اخیراً انجام گرفته است، باز این اغلاط همچنان پابرجا مانده‌اند.



کتاب‌هایی که جداگانه و اختصاصاً به یک دین پرداخته باشند در پیش از انقلاب پر شمار نیستند. البته درباره مسیحیت و ادیان ایران پیش از اسلام، به‌ویژه کیش زرتشت و مخصوصاً متون مقدس این آیین ترجمه‌ها بیشترند. کتاب‌هایی که در زمینه مسیحیت به فارسی درآمده‌اند، عمدتاً حاصل اهتمام کلیسا و مبلغان مسیحی است. در این میان، به‌ویژه باید از انتشارات «نور جهان» یاد کرد که در کنار تألیف کتب، ترجمه آثاری تبلیغی و بعضاً تحقیقی، و تاریخی را انجام داده و منتشر ساخته است.

در حوزه ادیان ایران باستان هم با توجه و تأکیدی که در دوران پهلوی به ایران باستان می‌شد و اهمیتی که برخی از پژوهندگان ایرانی مانند شادروان پورداوود در این حوزه می‌ورزیدند، طبیعی بود که آثار مربوط به دین و متون مقدس زرتشت و کلاً نوشته‌های مربوط به ایران باستان به فارسی ترجمه گردد. بر خلاف کتاب‌های مسیحیت که عمدتاً خود مسیحیان و گاه در خارج از کشور آنها را ترجمه می‌کردند، در زمینه ایران باستان، دانشمندان ایرانی و مسلمان علاقمند به میراث دینی و فرهنگی و ادبی ایران آن روزگاران، اگر نگوئیم بیشتر، دست کم به همان اندازه هم‌وطنان زرتشتی برای برگردان آثار مرتبط با دینهای کهن این مرز و بوم از زبان‌های باستانی یا زبان‌های زنده اروپایی همت می‌گماردند.

البته ما در این‌جا به کتابهای داستان و آثار ادبی مرتبط با ادیان گوناگون توجه نکرده‌ایم، و گر نه کم نیستند آثاری که در همان اوان به فارسی درآمده‌اند. از باب نمونه می‌توان به کمدی الهی داتنه اشاره کرد که صبغه دینی و مسیحی شدیدی دارد، اما می‌دانیم که بعد ادبی

چنین آثاری بر سایر ابعادشان غلبه دارد و این بُعد در حیطه کار ما قرار ندارد.

با این همه، چه در حوزه مسیحیت و چه در زمینه ایران باستان، چنان‌که خواهیم دید، کم و کیف آثار ترجمه شده در دوره ۵۰-۶۰ ساله مورد بحث به هیچ‌وجه قابل مقایسه با آثار مترجم این ۳۰ سال نیست.

در مورد ادیان دیگر غیر از دو دین مذکور، باید گفت که به‌ندرت با برخی از آثار در زمینهٔ آیین بودا^{۱۱} یا هندویی مواجه می‌شویم. عامل این امر شاید یکی آن باشد که ادیان شرقی در ایران پیروانی نداشتند و دیگر آنکه اقبال جهانی‌ای که طی نیم قرن اخیر به ادیان شرقی نشان داده شده است، آن زمان هنوز در ایران انعکاس چندانی نیافته بود. به هر حال، شاید تعداد کتاب‌های ترجمه شده در زمینه ادیان شرقی در پیش از انقلاب به تعداد انگشتان یک دست هم نرسد.

در حوزه نگاه نقادانه به ادیان یعنی دیدگاه‌هایی برآمده از نقد تاریخی، فلسفه دین، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دین و اسطوره-شناسی هم کتاب‌هایی به فارسی ترجمه شده در دوره مورد بحث یا نداریم یا بسیار اندک داریم. کتاب‌های نویسندگانی مانند کری ولف^{۱۱} به هیچ‌وجه منظری دین‌شناسانه و علمی به معنی امروزی ندارند، بلکه نگاهی برخاسته از رویکردهای ایدئولوژیک و سوسیالیستی مؤلف و مترجم به دین را طرح می‌کنند. عدم انعکاس دیدگاه‌هایی برآمده از نقد تاریخی، در ایران آن زمان در صورتی بیشتر مایه شگفتی می‌شود که توجه داشته باشیم حدود ۱۴۰-۱۵۰ سال پیش، این نظرات در مناظرات و نوشته‌هایی رحمة‌الله کیرانوی در هند طرح و استفاده می‌شد، ولی تا آنجا که من اطلاع دارم، آثار هیچ یک از دین‌شناسان یا متألهان مثلاً مکتب تاریخ ادیان^{۱۲} یا متأثران از ایشان در آن روزگار به فارسی در نیامده است.

سه دهه پس از انقلاب

تا پیش از انقلاب و تا چند سالی بعد از انقلاب، ترجمه کتاب‌های مربوط به ادیان دیگر به زبان فارسی رواج چندانی نداشت و چنان‌که در ادامه خواهد آمد، کتاب‌هایی که در این حوزه - به جز ادیان ایران باستان - به قلم مترجمان و ناشران ایرانی مسلمان به فارسی درآمده بود، از شمار انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد. البته بی‌گمان مقایسه تعداد کتب ترجمه شده در پیش و پس از انقلاب از جهاتی قیاس مع الفارق است، زیرا هم از نظر شمار کسانی که زبان بیگانه می‌دانند و توانایی و انگیزه ترجمه را دارند و هم با عنایت به علاقمندان به این موضوع که باید سطح سوادشان به جایی رسیده باشد که چنین مباحثی را دنبال کنند و هم با توجه به اقتضائات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بالاخص دینی، میان دو برهه مورد بحث تفاوت چشمگیری وجود دارد. مع الوصف، اگر مثلاً تعداد رمان‌ها و آثار ادبی

یا تاریخی را که در پیش از انقلاب از زبان‌های گوناگون به فارسی درآمده است با شمار کتبی که در زمینه ادیان در آن دوره ترجمه شده، مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که اهتمام به ترجمه پژوهش‌های ادیانی بسیار کم بوده است. البته این مقایسه را در زمینه‌های دیگر مانند فلسفه هم می‌توان کرد، ولی به نظر می‌رسد که این کم‌کاری در حوزه ادیان پررنگتر باشد.

ادیان به معنای عام کلمه

چنانکه گفتیم شمار کتبی که در زمینه ادیان به معنی کلی؛ یعنی کتاب‌هایی که حاوی چندین باشد، به فارسی درآمده بود، حدوداً پنج عنوان بیشتر نمی‌شد. در این سه دهه تعداد این کتاب‌ها رشد نسبتاً خوبی داشته‌اند. جستجوی گذرای ما نشان می‌دهد که حدود ۴۰-۵۰ عنوان کتاب بعد از انقلاب در زمینه ادیان به معنی عام به زبان فارسی ترجمه شده است. البته یکی از پنج عنوان مذکور در بخش پیشین یعنی کتاب تاریخ جامع ادیان در بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده است، حال آنکه کتاب شاله به رغم سودمندی‌اش تجدید چاپ نشده است.

طیف کتاب‌های ترجمه شده تنوع جالب توجهی را نشان می‌دهد. از کتاب‌های ادیان که در قالب داستان بیان شده‌اند^{۱۳} تا کتاب‌هایی با زمینه‌های فلسفی،^{۱۴} اسطوره‌شناختی،^{۱۵} تطبیقی^{۱۶} را در این طیف می‌بینیم.

بعضی از کتاب‌ها موضوع واحدی را در ادیان دنبال کرده‌اند، به عبارتی در این باره تک‌نگاری monography کرده‌اند.^{۱۷} برخی هم صیغه آموزشی دارند.^{۱۸}

بعضی از مترجمان به برگرداندن کتاب‌های مرجع در این زمینه روی آورده،^{۱۹} و شماری هم متون مقدس دین‌ها را به خوانندگان فارسی زبان عرضه کرده‌اند.^{۲۰}

آنچه تا این‌جا معرفی شد، بیشتر، کتاب‌هایی بودند که از زبان‌های اروپایی به فارسی درآمده بودند. از زبان عربی هم برخی از کتاب‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند که برخی از آنها صرفاً در صدد معرفی و شناساندن سایر ادیانند^{۲۱} و برخی به دنبال مقایسه میان برخی تعالیم ادیان با اسلام‌اند^{۲۲} و بعضی هم در صدد ایضاح برخی دیدگاه‌های اسلام درباره سایر ادیان.^{۲۳}

مسیحیت

چنان‌که پیش از این گفتیم، اطلاعاتی که در این نوشتار می‌آوریم حاصل استقصای کامل نیست و نتیجه جستجوی ما در پایگاه کتابخانه ملی، فقط ذیل عناوینی خاص است. در این‌جا هم تنها در ذیل «مسیحیت» و «مسیحی» جستجو کرده‌ایم. اما با همین مقدار هم می‌توان تا حدودی به نتایجی رسید و کم و کیف کتب ترجمه شده در این باره را بررسی کرد.

بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب درباره مسیحیت، بی‌آن‌که چاپ‌های مکرر را در نظر بگیریم به فارسی ترجمه شده است. در سه دهه اخیر وضع ترجمه کتاب‌های مربوط به این کیش تفاوت چشمگیری با وضعیت آن در گذشته پیدا کرده است. در پیش و پس از اسلام تا اوایل سده چهاردهم شمسی، ترجمه این کتاب‌ها را یا خود مسیحیان برای آشنا ساختن بیشتر هم‌کیشان به فارسی درمی‌آوردند یا جدید-الاسلام‌ها برای رد و ابطال مسیحیت این کار را می‌کردند. در دوران پهلوی اول و دوم، خود مسیحیان علاوه بر آن‌که هم‌کیشان مسیحی را مخاطبان خود می‌دانستند، عمدتاً برای تبلیغ مسیحیت به غیر مسیحیان، دست به ترجمه می‌زدند. اما تا آنجا که من اطلاع دارم در این سه دهه جدیدالاسلام‌ها به ترجمه کتب مبادرت نورزیده‌اند. شاید علت این امر آن بوده است که هم متون مقدس مسیحی به‌وفور در دسترس فارسی‌زبانان هست و دیگر نیازی احساس نمی‌شود که آن‌ها را به فارسی درآورند و مورد نقد و تفسیر تازه‌ای قرارشان دهند، و هم عرصه‌هایی در نقادی کتاب مقدس و مسیحیت پیش چشم همگان، اعم از مسیحی و غیر مسیحی، گشوده شده است که نیاز و الزامی نیست که حتماً افراد بیشتر مسیحی بوده باشند تا از کاستی‌های این کتاب و این دین آگاه باشند. خود متألهان بزرگ و معروف مسیحی

وارد کرده‌اند و قرار دارد.

مسیحیت فقط بلکه برخی از عربی به فارسی را نقد می‌کنند



نقدهایی بر این کتاب و دین آثارشان در دسترس همگان نکته دیگر آنکه رد و نقد صیغه کلامی و دینی ندارد کتاب‌ها مخصوصاً آن‌ها که از درآمده‌اند، از این نظر مسیحیت

که آن را ابزار دست استعمارگران می‌بینند.

دویست عنوان مذکور را می‌توان بر چهار دسته تقسیم کرد. به علت فراوانی کتاب‌ها و رعایت برخی مصالح از ذکر مشخصات کتاب‌شناختی همه موارد خودداری می‌کنیم.

۱. کتاب‌هایی که به تاریخ، عقائد، مذاهب و کلیسای مسیحی می‌پردازند. این‌ها را می‌توان کتاب‌های علمی یا تحقیقی دانست. البته مشکلی که در این تقسیم‌بندی و نام‌گذاری وجود دارد، آن است که برخی کتاب‌ها علی‌الظاهر کتاب‌های تحقیقی صرف به نظر می‌آیند، اما با مطالعه آنها در می‌یابیم که مؤلف ضمن آنکه اطلاعات تاریخی و علمی و تحقیقی خوبی به دست می‌دهد، اما در نهایت به دنبال اثبات و تثبیت این باور است که مسیحیت کنونی همان است که باید باشد و هر آنچه در باورها و مناسک آن هست، عین حق است. مثلاً کتاب جان آگریدی^{۲۴} در نگاه اول و حتی با مطالعه فصولی از آن این تصور را ایجاد می‌کند که مؤلف می‌خواهد بدعت‌های مسیحی را معرفی کند که البته این کار را هم کرده است، اما وقتی فصل پایانی را می‌خوانیم در می‌یابیم که او در پی اثبات این مطلب است که چون

مسیحیت کنونی، بر جای مانده و دیگر مذاهب که کلیسا آنها را بدعت heresy و دگراندیش heterodox به شمار آورده از میان رفته‌اند، پس این مسیحیت حق است. با این همه، اکثر کتاب‌های تحقیقی ترجمه شده تبلیغی نیستند.

بعضی از مترجمان، با وجود آن که خود مسیحی‌اند، کتاب‌هایی به فارسی درآورده‌اند که صبغه تبلیغی ندارند. مثلاً رابرت آسریان دو عنوان کتاب ترجمه کرده است^{۲۵} که چنین خصوصیتی دارند و همچنین طاهوس میکائیلیان با وجود آن که خود کشیش بود و کتاب‌های تبلیغی زیادی را نیز برای کلیسای جماعت ربانی به فارسی برگردانده بود، دو کتاب کاملاً تحقیقی را به فارسی در آورده است.^{۲۶} تعداد کتاب‌های این دسته حدوداً ۸۰ عنوان است، یعنی تقریباً ۳۵ درصد کتاب‌ها را می‌توان متعلق به این گروه دانست. یکی از ناشرانی که در این زمینه فعالتر از دیگر ناشران است، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم است.

۲. دسته دوم کتاب‌هایی هستند که ریشه در برخی باورهای مسیحی دارند، اما خواننده ناآشنا با تاریخ و عقاید مسیحیت در نگاه اول و حتی با مطالعه آنها متوجه نمی‌شود که کتابی برآمده از اعتقادات مسیحی را می‌خواند. این کتب بی‌آن که در عناوینشان چیزی باشد که بر مسیحی بودن آنها دلالت کند، عمدتاً حاصل مستقیم یا غیر مستقیم تعالیم کلیساهای مسیحی یا برخی جنبش‌های مسیحی‌اند. تا آن‌جا که من اطلاع دارم، این قسم کتب در پیش از انقلاب اصلاً یا ترجمه نشده‌اند یا اگر بوده بسیار کم ترجمه و منتشر شده‌اند. بعد از انقلاب مخصوصاً از اواخر دهه ۶۰ به بعد ترجمه این کتاب‌ها رونق گرفته است. این‌ها کتاب‌هایی هستند با موضوعاتی مانند راز موفقیت، شفاف‌ی روح، کسب آرامش، نحوه مدیریت و رهبری، امید، شجاعت، اعتماد و ... ترجمه و منتشر شده‌اند. نویسندگان این کتاب‌ها، اسکاول شین (۱۹۴۰- Shinn F. Scovel)، نورمن وینسنت پیل (۱۹۹۳-۱۸۹۸) Peale، کنت بلانچارد (۱۹۳۹-۱۹۳۹) R. H. Schuller، رابرت شولر (۱۹۲۶-۱۹۲۶) و ... عمدتاً

گرایش‌های مسیحی تعلق متعلق به مسلک «معرفت Science است که خانم Mary Baker Eddy (۱۸۲۱-۱۹۱۰) پایه‌گذار آن است (مولند، ص ۳۱۴-۳۱۸). در واقع، اکثر این کتاب‌ها به معنویت مسیحی ارتباط دارند. دلیل دیگری که برای انتساب این گونه کتاب‌ها به مسیحیت و نه به روان‌شناسی و علوم اجتماعی یا ادبیات داریم، عبارت است از تعلق این‌ها به رده کتبی که در کتابداری برای مسیحیت مورد استفاده قرار

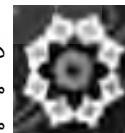
می‌دهند. می‌دانیم که در رده‌بندی کنگره، حروف BL به دین و ادیان تعلق دارد و فرآیندها schedule ی بعدی به ترتیب به ادیان دیگر تعلق دارند: BP و BM و BQ به دین‌های اسلام، هندویی و بودا و یهودیت و فرآیندهای BR تا BV به مسیحیت و کتاب مقدس و BX به فرقه‌های مسیحی (دیتمن و هاردی، صص ۲۶-۲۹).

باید بگوییم که همه کتاب‌هایی که از افراد مذکور و در موضوعاتی مشابه به قلم مترجمان گوناگون به فارسی ترجمه شده‌اند، دارای رده‌های BR تا BV اند.

نکته شایان توجه، اقبال شگفتی است که ایرانیان به این کتب نشان داده‌اند. چنان‌که بسیاری از این عناوین به قلم مترجمان گوناگون به فارسی درآمده، به گونه‌ای که بعضاً از یک کتاب چهار یا پنج ترجمه^{۲۷} و از هر ترجمه‌ای هم گاه بیش از ده یا پانزده چاپ به بازار آمده است. این کتاب‌ها معمولاً مخاطبانی عام دارند و چون علمی یا آکادمیک نیستند، در هیچ نشریه‌ای از نظر محتوا و شیوه ترجمه مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گیرند. در ایران نشریاتی هست که در حوزه دین یا ادیان کتاب‌ها را اعم از مترجم یا مؤلف مورد توجه و بررسی قرار می‌دهند. اما این دسته از کتاب‌ها که نه دین‌شناسان آنها را در زمره تخصص خود می‌دانند و نه اهالی فلسفه و ... در واقع رها و یله‌اند و در هیچ مجله یا نشریه‌ای، نقد و بررسی آنها انجام نمی‌گیرند. گرمی بازار و مخاطبان عام و فروانی این کتب باعث شده که حدود ۴۵ درصد کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از این دسته باشند. تحلیل و واکاوی علل اقبال عمومی در این سه دهه به این کتب، مجال دیگری می‌طلبد.

۳. دسته سوم کتاب‌هایی‌اند که به نقد مسیحیت و گاه ردّ و ابطال آن می‌پردازند. بیشتر این کتاب‌ها از عربی ترجمه شده‌اند،^{۲۸} مع الوصف کتاب‌هایی هم از انگلیسی به فارسی درآمده‌اند که این‌ها عمدتاً مبتنی بر مکتب نقد تاریخی‌اند.^{۲۹} در میان کتاب‌ها به مواردی برمی‌خوریم که در آنها علاوه بر جنبه اعتقادی مسیحیت به بُعد دیگری نیز پرداخته می‌شود و مورد نقد قرار می‌گیرد و آن جنبه استعماری غرب که چون مسیحیت دین غربیان و استعمارگران غربی است، این هر دو پدیده را با هم مورد نقد قرار می‌دهند.^{۳۰} شمار کتاب‌های مربوط به این گروه پرشمار نیست و حدوداً ۵ درصد از کل کتاب‌های مترجم را شامل شود.

۴. قسم دیگر، کتاب‌هایی‌اند که خود کلیساهای مسیحی در ایران و خارج از ایران ترجمه و منتشر می‌سازند. غرض از ترجمه و نشر این کتاب‌ها تبلیغ و ترویج مسیحیت یا مخاطب قراردادن مسیحیان فعلی در ایران است. عمده یا همه این کتاب‌ها در بعد از انقلاب از کتابخانه ملی و وزارت ارشاد مراحل رسمی ثبت و اخذ را گذرانده‌اند. از این رو، اطلاعات دقیقی از آنها نداریم. اما با توجه به آنچه کلیسای مانند



کلیسای جماعت ربانی چاپ کرده و در اختیار مشتریان خاص که غالباً مسیحیان پیرو این کلیسایند قرار داده است، باید بگوییم که شمار این ترجمه‌ها نسبتاً فراوان است، اما چون مرجعی برای یافتن آمار و مشخصات آنها نداریم، نمی‌توانیم درباره آنها سخن بگوییم. ولی احتمال می‌توان داد که بیش از حدود ۱۵ درصد کتاب‌های ترجمه شده در زمینه مسیحیت به این دسته ترجمه‌ها تعلق پیدا کند. علاوه بر این چهار دسته، تعدادی کتاب هم داریم که درباره ارتباط مسیحیان و مسیحیت با سایر ادیان، به‌ویژه با اسلام است.^{۳۱} شمار کتاب‌هایی که در این باره ترجمه شده‌اند به ۳۰ عنوان می‌رسد.

یهودیت

با جستجوی دو واژه «یهودیت» و «یهود» حدود ۵۰ عنوان ترجمه به دست آمد. کتب ترجمه شده درباره هیچ یک از ادیان به اندازه‌ای که در اینجا با سیاست ارتباط پیدا کرده است، سیاسی نیست. در هیچ یک نمی‌بینیم که سازمان یا نهادی دولتی متکفل ترجمه کتابی متعلق به سایر ادیان شده باشد. اما در اینجا می‌بینیم که مؤسسه‌ای فرهنگی و احتمالاً دولتی دائرة المعارفی هشت جلدی را به فارسی برگردانده است.^{۳۲} کتاب‌های مرتبط با یهودیت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. کتاب‌های مربوط به معرفی و تبیین یهودیت. این کتاب‌ها به جنبه‌های گوناگون این کیش پرداخته‌اند و جنبه نقادانه یا ملامت‌آمیز ندارند. جنبه‌های گوناگونی که در ترجمه‌های فارسی مورد توجه قرار گرفته‌اند، و ما برای هر کدام یک مثال در پاورقی می‌آوریم، عبارتند از: متون مقدس،^{۳۳} عرفان،^{۳۴} فرقه‌ها،^{۳۵} تاریخ،^{۳۶} فلسفه،^{۳۷} کل کیش اعم از عقائد و تاریخ،^{۳۸} یهودیان ایران،^{۳۹} مسیحای منتظر.^{۴۰}

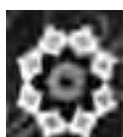
۲. نقدیهودیت. این دسته کتب بیشتر یهودیت را در سایه صهیونیسم و جنایات اسرائیل مورد توجه قرار می‌دهند. ارتباط ترجمه کتب یهودیت با سیاست در همین قسم خودنمایی می‌کند. بیش از نیمی از کتابهای ترجمه شده درباره یهودیت به این حوزه تعلق دارند. کتاب‌هایی که درباره یهودیت به صورت جداگانه و به قلم چند مترجم به فارسی درآمده است در این گروه جای می‌گیرند. در این میان مخصوصاً بحث پروتکل بزرگان صهیونیست مورد توجه چند مترجم قرار گرفته است.^{۴۱}

۳. کتاب‌های مربوط به دین، اعمال و عبادات که هم‌وطنان کلیمی آنها را به فارسی برگردانده‌اند.^{۴۲} تعداد این کتب اندک است و شمار آنها شاید به ده عنوان نرسد، و بر خلاف کتاب‌هایی که هم‌وطنان مسیحی به چاپ می‌رسانند، این کتب فهرست بیش از انتشار از کتابخانه ملی دارند.

در زمینه ارتباط یهودیت و دین‌های دیگر به‌ویژه اسلام نیز ترجمه‌هایی، بیش از ۲۰ عنوان، به دست آمده است. در این میان به‌ویژه سه دین سامی یا ابراهیمی یهودیت و مسیحیت و اسلام جایگاه درخوری دارند. در کتابی ۳ جلدی متون مربوط به عقائد، مناسک و عرفان سه دین در کنار هم معرفی و مقایسه شده‌اند.^{۴۳} در کتابی دیگر مضامین مشترک متن مقدس این سه دین مورد مذاقه قرار گرفته است.^{۴۴} کتابی دیگر هم به جایگاه و سیر تحول مفهوم خدا در این سه دین می‌پردازد.^{۴۵} نگرش اسلام به یهودیت و همچنین مسیحیت نیز موضوع برخی کتاب‌هاست.^{۴۶} در ترجمه‌ای دیگر از جایگاه پیامبر(ص) در کتابهای یهود و مسیحیت سخن رفته است.^{۴۷}

آیین بودا

با جستجوی عنوان «بودا» حدود ۱۱۰ عنوان کتاب ترجمه شده



به دست آمد. چنان‌که خواهیم دید ترجمه در این حوزه شباهت‌هایی با زمینه مسیحیت دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این کتاب‌ها را بر دو دسته بخش کرد، هر چند بنا به دلایلی، خودم از این تقسیم‌بندی راضی نیستم.

۱. کتاب‌هایی که به زندگی‌نامه و تعلیم بودا و عقاید و متون بودایی و فرقه‌های این کیش می‌پردازند. بی‌گمان در این باره کسی به اندازه آقای عسگری پاشایی نکوشیده و کتاب‌هایی پرشمار و سودمند منتشر نساخته است. ایشان در این سی و اندی سال یک‌تنه راه معرفی تعلیم، آوانگاری و معادل‌سازی برای بسیاری از اصطلاحات بودایی را در ایران هموار کرده است. از این رو، مطالعات مربوط به بودا و بودایی‌پژوهی مرهون زحمات ایشان است. نظر به کثرت و شهرت آثار ایشان از ذکر آنها در این‌جا خودداری می‌کنیم.

بودا شخصیتی است که خود زندگی‌اش الهام‌بخش بسیاری از تعلیم ژرف است. از این‌رو، در جهان و ایران در روزگاران گذشته و حال حاضر توجه به سوانح زندگی بودا جایگاه ویژه‌ای دارد. پیش از این، از ترجمه بلوهر و بوداسف که شرح زندگی بوداست یاد کردیم. برگردان کهن سغدی حکایت ولادت بودا را یکی از محققان به فارسی درآورده است.^{۴۸} حکایت زایش و باززایی‌های بودا بر اساس روایت کهن جاته که نیز به فارسی درآمده است.^{۴۹} در برخی کتاب‌ها از ربط و نسبت برخی شخصیت‌ها با بودا و تعلیم بودایی سخن رفته است.^{۵۰} چندین و چند کتاب هم درباره بودا و تعلیمش به فارسی برگردانده شده است.^{۵۱} از اقوال بودا و متون بودایی^{۵۲} و تعلیم و کیش و آیین بودایی^{۵۳} هم ترجمه‌هایی انجام گرفته است. حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد کتاب‌های ترجمه شده جزء این دسته کتاب‌ها هستند. مخاطبان این قسم کتب در مقایسه با قسم بعدی خاص‌تر و نگاه علمی و دین-

شناسانه‌تری دارند، و به همین سبب، مترجمان و ناشران آنها، باز در مقایسه با دسته دوم ترجمه‌ها یا تخصص دارند (مانند آقایان پاشایی و رجب‌زاده و ناشرانی مانند مرکز مطالعات ادیان قم) یا دیدگاه عالمانه-تری (مانند حق‌شناس و ناشرانی مانند نگاه معاصر) نسبت به ناشران و مترجمان قسم دوم دارند. آموزه‌ها و سخنانی که در این ترجمه‌ها آمده و به بودا و بوداییان نسبت یافته از وثاقت بیشتری برخوردارند. ۲. قسم دوم ترجمه‌ها عمدتاً مشتمل بر بُعد کاربستی آیین بودا در جهان کنونی است. این کتاب‌ها اغلب حاصل تعالیم بعضی از بزرگان بودایی در روزگار حاضر است. همچنین بعضی از جویندگان معنویت شرقی که عموماً غربی‌اند بر تألیف این کتاب‌ها دست زده‌اند. حدود ۶۵ الی ۷۰ درصد کتاب‌های مربوط به آیین بودایی به این حوزه تعلق دارند. برای نمونه از نوشته‌های چند تن که در ایران ترجمه شده‌اند یاد می‌کنیم: از یکی از کتاب‌های دالای لاما (به همراه کاتلر) پنج ترجمه جداگانه انجام گرفته و از هر کدام هم چاپ‌های مکرر به بازار آمده است.^{۵۴} همچنین است کتاب‌هایی به قلم ویلیام هارت^{۵۵} و تیک نات هان^{۵۶} که این‌ها هم در چاپ‌های مکرر روانه بازار شده است. کتاب‌هایی مرتبط با مراقبه و تأمل هم در این حوزه فراوان به فارسی درآمده است.^{۵۷}



معمولاً مخاطبان این کتاب‌ها مخاطبانی عامند و البته انگیزه حقیقت‌جویی و تشنگی ایشان برای معنویت، ایشان را به چنین کتاب‌هایی سوق می‌دهد. این کتاب‌ها نیاز به مطالعات عمیق در ادیان و مذاهب ندارند و هر کس با هر میزان تحصیلات و اطلاعات می‌تواند از آنها بهره‌بردار شود. این امر مثبت است اما در کنار آن باید توجه داشت که چون این ترجمه‌ها مورد نقد قرار نمی‌گیرند، صرف نظر از کیفیت محتوایی، هر کسی با قدری دانش زبان انگلیسی به برگرداندن آنها به فارسی مبادرت می‌ورزد. این دسته کتب تا حدود زیادی به دسته دوم از تقسیمات کتب مترجم مسیحی شباهت دارند. کتاب‌هایی برآمده از دین، بی‌آن‌که در صدد معرفی و بیان تاریخ و تعالیم آن باشند. در آن‌جا دین مسیحیت و در این‌جا آیین بودایی. همچنین چاپ‌ها و ترجمه‌ها و شمارگان فراوان، حکایت از وجود مخاطبان زیاد دارد. ناشناختگی یا کم‌شناختگی مترجمان و ناشران این کتب در حلقات دانشگاهی و علمی، هم وجه شباهت دیگر این دو دسته ترجمه‌هاست. با این همه، سخن من مبتنی بر ارزش‌دآوری نیست و هیچ‌یک از این عوامل موجب رد یا قبول اثری نمی‌شود و سنجش عیار هر کتابی مجال و مقال جداگانه‌ای می‌طلبد. طی سال‌های اخیر چند کتابی هم درباره رابطه آیین بودا و سایر ادیان به فارسی ترجمه شده^{۵۸} که از این میان، رابطه این کیش با اسلام هم مورد توجه قرار گرفته است.^{۵۹}

ایران و اساطیر ایران را نیز جستجو می‌کردیم. از طرف دیگر، دین-های ایران باستان متعددند و به هیچ وجه محدود به کیش زرتشت نمی‌شوند. از این‌رو، کیش‌های مانی، مزدک، زروانی، مهرپرستی را هم می‌بایست در جستجوی خود می‌گنجانیم. اما گستردگی کار عذر-خواه قصور و تقصیر ماست. ما در اینجا فقط ذیل عنوان «زرتشت» به جستجو پرداخته‌ایم. در زمینه دین زرتشت، ترجمه متون دینی آن وجه همت مترجمان، پیش و پس از انقلاب، بوده است. درست است که مرحوم پورداوود سال‌ها پیش اوستا را به فارسی برگردانده بود، مترجمانی پس از او از ترجمه دست برداشتند و پس از پورداوود ترجمه‌های دیگری به دست علاقمندان رسید.^{۶۰} احتمالاً تازه‌ترین برگردان فارسی این کتاب کهن ایرانیان از آن آقای آبتین ساسانفر باشد.^{۶۱}

بعد از متن اصلی دین زرتشت، متون پهلوی را داریم که شمار زیادی از آنها محتوای دینی دارند. ناشی که بیش از ناشران دیگر در راه ترجمه و چاپ و نشر این متون اهتمام ورزیده، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی بوده است. این مؤسسه که عده‌ای از متخصصان زبان و فرهنگ ایران باستان عضو هیئت علمی و پژوهشی آن هستند ترجمه‌های متون پهلوی را که این اعضا انجام داده‌اند به طبع رسانده و در اختیار علاقمندان قرار داده است.

متون مترجم این مرکز به قلم پژوهندگانی همچون محمدمدتی راشد محصل، کتابون مزداپور، مهشید میرفخرایی و ... به فارسی درآمده است. درست است که برخی از پژوهندگان بزرگ از پیش از انقلاب به پژوهش درباره برخی از متون پهلوی پرداخته و آثاری منتشر ساخته بودند، اما چاپ و نشر این متون در بعد از انقلاب و مخصوصاً دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اوج گرفت. در کنار آثار منتشر شده مؤسسه مذکور، متون دینی پهلوی دیگری نیز انتشار یافت. از این میان باید به بندهش با ترجمه شادروان مهرداد بهار^{۶۲} و کتاب پنجم دینکرد با ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی^{۶۳} اشاره کرد.

گذشته از این دو دسته ترجمه که از متون اصلی به فارسی درآمده‌اند، شماری کتاب که تعدادشان کم هم نیست از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه شده‌اند. از آن میان باید به مجموعه چهارجلدی تألیف مری بویس درباره کیش زرتشت و سرگذشت آن اشاره کرد.^{۶۴} ترجمه‌های مربوط به کیش زرتشت تفاوت عمده‌ای که با ترجمه-های سایر ادیان دارند: یکی آن است که متون دینی این کیش از زبان اصلی آن که اوستایی و پهلوی باشد، ترجمه شده است؛ دوم آنکه برخلاف کتب مترجم سایر ادیان در پیش و پس از انقلاب تفاوت بسیار چشمگیری در کمیت آنها دیده نمی‌شود؛ و سوم آن که آن اقبالی که خوانندگان ایرانی به برخی کتاب‌های مسیحی و بودایی نشان می‌دهند، در این‌جا بسیار کمتر دیده می‌شود.

آیین هندو

شمار کتاب‌های ترجمه شده درباره آیین هندو، پیش و پس از انقلاب زیاد نیست، سهل است، باید بگوییم اندک است. هنوز متون دینی اصلی این آیین که متون وادها باشد به فارسی ترجمه نشده

کیش زرتشت

اگر در قسمت‌های پیشین به کامل نبودن جستجوی خود اقرار می‌کردم، در اینجا این اعتراف را به نحو مضاعف اظهار می‌دارم. اگر قرار باشد جستجوی ما کاملتر شود باید عناوین تاریخ ایران، ادیان

است. محمدرضا جلالی نایینی گزیده‌های سرودهای دیگ و دارا را از انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است.^{۶۵} هیچ یک از ترجمه‌هایی که در ایران از متون هندویی، مانند گیتا و ریگ ودا و اوپانیشیدها به فارسی درآمده، از متن اصلی ترجمه نشده بلکه از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. البته منظور من ترجمه‌هایی مانند سر آکبر که به دستور داراشکوه انجام گرفته و در ایران هم منتشر شده است، نیست.

سخن و اسپین

در نوشتار حاضر ادوار ترجمه کتب ادیان را بر چهار دوره بخش کردیم. در دوره‌های پیش از اسلام و دوره اسلامی شماری ترجمه از متون دینی ادیان دیگر بر جای مانده است. در دوره پهلوی اول و دوم نیز علاوه بر ترجمه‌هایی که از متون دینی سایر ادیان انجام گرفته، کتاب‌هایی در زمینه معرفی تاریخ و عقائد برخی از دین‌های دیگر به قلم خود صاحبان آن ادیان یا برخی از هم‌وطنان مسلمان به فارسی در آمده است. پس از انقلاب و به‌ویژه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمار ترجمه‌ها در این زمینه به نحو شگفت‌آوری افزایش یافته است. علاوه بر این کمیت، از نظر کیفیت نیز، هم ناشرانی تخصصی مانند مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در قم یا به عرصه فعالیت نهاده‌اند و هم مترجمانی متخصص دست به کار ترجمه شده و آثار ارزشمندی منتشر ساخته‌اند. با کتاب‌های ترجمه شده، عرصه‌هایی به روی فرهنگ ایرانی و مطالعات ادیانی گشوده شده که بی‌سابقه یا کم-سابقه بوده است. عرصه‌هایی از مطالعات تطبیقی و نقد تاریخی ادیان از همین راه برای ایرانیان معرفی شده‌اند. همچنین اگر این ترجمه-ها نبودند بی‌گمان از بسیاری از مذاهب و نحله‌ها و گرایش‌های دینی جهان بی‌خبر می‌ماندیم. اکنون با اسطوره‌شناسی (مخصوصاً با ترجمه‌های جلال ستاری) و شاخه‌های متعدد آن، آیین شمنی، عرفان-های گوناگون ادیان و مخصوصاً عرفان سرخپوستی آشناییم و این آشنایی‌ها به مدد ترجمه حاصل آمده است. ترجمه در هر زمینه‌ای و مخصوصاً در زمینه مطالعات ادیان موجب غنای زبان مقصد می‌شود. معادلات و اصطلاحاتی که مترجمان آگاه برای واژه‌ها به کار می‌برند و گاه به جعل و وضع دست می‌زنند بر این پرباری می‌افزاید. البته چنان‌که دیدیم در ترجمه‌ها نظم و سامانی دیده نمی‌شود. گاه از کتابی که چندان مهم به نظر نمی‌رسد، چند ترجمه و در نوبت‌های مکرر چاپ و منتشر شده است، و از آن طرف، کتاب‌هایی هست که شایسته ترجمه‌اند ولی به جامه پارسی درنیامده‌اند. البته یکی از عوامل این دوباره یا چندباره‌کاری‌ها، عدم التزام ایران به کپی‌رایت است. با کپی‌رایت فقط یک مترجم یا ناشر حق ترجمه کتابی خاص را پیدا می‌کند. اینک که این قانون در این سرزمین رعایت نمی‌شود، راه‌حل، ایجاد زمینه‌هایی برای نقد ترجمه‌هاست. دیدیم که شمار زیادی از کتاب‌ها که در مسیحیت و آیین بودایی به فارسی درمی‌آیند، اصولاً مورد نقد و بررسی ناقدان منصف و دقیق قرار نمی‌گیرند. ما در مقاله حاضر به هیچ‌وجه وارد بحث کیفیت ترجمه‌ها نشدیم، ولی امیدواریم با فراهم آمدن زمینه‌های نقد، کیفیت این ترجمه‌ها مورد توجه محققان و منتقدان قرار گیرد.

منابع

- انجیل دیاتسرون، احتمالاً ترجمه عزالدین محمدبن مظفر، (نام تعمیدی‌اش: یوحنا)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- بلوهر و بوداسف، به روایت شیخ صدوق و محمدباقر مجلسی، تحقیق و بررسی از ابوطالب میرعابدینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶.
- خاتون‌آبادی، میر محمدباقر بن اسماعیل، ترجمه انجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان، نشر نقطه و میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
- دبستان مذاهب، تصحیح رحیم رضازاده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲.
- رضائی باغبیدی، حسن، «ویژگی‌های زبان شناختی انجیل دیاتسرون...»، آینه میراث، صص ۷-۲۴، ش ۴۲، پاییز ۱۳۸۷.
- دیتمن، هلنا و جین هاردی، آموزش آسان و گام به گام رده‌بندی کنگره، ترجمه فاطمه نبوی، مشهد، انتشارات کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۵.
- شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- فیشل، «ترجمه‌های فارسی تورات و انجیل»، ترجمه احمد آرام، راهنمای کتاب اسفند ۱۳۲۸.
- کیرانوی، رحمة‌الله بن خلیل، اظهارالحق، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۱۸ق.
- مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- نصیر، امنون، یادیاوند، لس آنجلس، انتشارات مزدا، جلد سوم، ۱۹۹۹م.
- Assmusen, Jes P., *Studies in Judeo-Persian Literature*, Leiden, Brill, 1973
- پی‌نوشت‌ها:**
۱. در سال ۱۳۵۰ آن مرحوم ۱۴ جلسه سخنرانی درباره ادیان ایراد کرد که این سخنرانی‌ها بعداً در کتابی تحت عنوان تاریخ و شناخت ادیان انتشار یافت. همین حالا هم هنوز در جلسات درس باید با دادن چند سند و مدرک به دانشجویان، حتی در مقطع کارشناسی ارشد، ثابت کنم که رشته تخصصی دکتر شریعتی نه ادیان بوده و نه جامعه‌شناسی و نه تاریخ، بلکه آن مرحوم در زمینه ادبیات تحصیل کرده و مدرک گرفته‌اند.
۲. با این نشانی: www.nlai.ir
۳. سیاحت مسیحی از این جهان به جهان آینده، ترجمه پاطر صاحب قسیس ینگی دنیایی، به استعانت حسین قزوینی، طهران، تاریخ انجامه کاتب: ۱۳۰۱ق. ده سال بعد یعنی در ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م. در ایران و باز در ۱۹۲۶م. در لندن و در ۱۳۱۹ش. در چاپخانه بروخیم تجدید چاپ شده است.
۴. سیر و سلوک زائر، ترجمه گلناز حامدی، تهران، مدحت، ۱۳۸۱.
۵. مذاهب بزرگ، ترجمه احمد تاجبخش، تهران، علمی، ۱۳۴۱.
۶. تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، پیروز، فرانکلین،

۱۳۴۴.

۷. تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه منوچهر خدایار محبی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

۸. سرگذشت ادیان بزرگ جهان، ترجمه ایرج پزشک‌نیا، تهران، کتابهای جیبی، فرانکلین، ۱۳۴۵.

۹. ادیان شرق و غرب، بی‌مترجم، تهران، انتشارات مختار، بی‌تا.

۱۰. بودیسم: بررسی تعالیم بودا و منتخبی از متون بودایی، راهول، ترجمه قاسم خاتمی، تهران، طهوری، ۱۳۵۳؛ فروغ خاور: شرح زندگی: آیین و رهبانیت بودا، هرماس الدنبرگ، ترجمه بدرالدین کتابی، تهران، اقبال؛ راه آیین (دمه یده یا سخنان بودا): ترجمه ع. پاشایی، تهران، انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران، ۱۳۵۷.

۱۱. درباره مفهوم انجیل‌ها، ترجمه محمد قاضی،

1. Religionsgeschichte

۱۳. دنیای نثو، کاترین کلما، ترجمه مهدی سمسار، نقش جهان، ۱۳۷۷، ج ۳، ۱۳۸۷.

۱۴. زمینه‌های بحث فلسفی در ادیان جهان، کوبین و فرو، ترجمه گروهی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۵.

۱۵. رساله در تاریخ ادیان، میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری، سروش، ۱۳۷۲؛ اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز، نیما، ۱۳۶۵.

۱۶. دین شناسی تطبیقی، کدرنات تیواری، ترجمه فنایی و ابراهیمیان، نشر محسن، ۱۳۷۸؛ ترجمه دیگر: مرضیه شنکایی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱؛ دین پژوهی تطبیقی، ج. پاریندر، ترجمه جمشید آزادگان، تهران، سیب سبز، ۱۳۸۷؛ تاریخ تطبیقی ادیان، اریک شارپ، ترجمه گلناز حامدی، تهران، مدحت، ۱۳۸۶.

۱۷. زن در ادیان بزرگ جهان، هولم و بوکر، ترجمه علی غفاری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی و شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۴؛ اخلاق در نش دین جهان، منسکی و دیگران، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸؛ فرجام‌شناسی از دیدگاه ادیان، الیاده، ترجمه سمن میرزایی، تهران، بلاغ دانش، ۱۳۸۳.

۱۸. آشنایی با دین‌های بزرگ، پاتریک بورک، ترجمه منصور معتمدی، تهران، هرمس، در دست انتشار.

۱۹. داتوه المعارف ادیان، رچ. زینر، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴؛ داتوه المعارف ادیان زنده جهان، ماری پت فیشر، ترجمه حامدی و دیگران، تهران، مدحت، ۱۳۸۷؛ فرهنگ ادیان، ا. شارمه، ترجمه سمواتی، تهران، مدحت، ۱۳۸۵؛ اسطوره‌شناسی، داتوه المعارف مصور اساطیر و ادیان مشهور جهان، ریچارد کاوندیش، ترجمه زقیه بهزادی، تهران، علم، ۱۳۸۷.

۲۰. متون مقدس بنیادین از سراسر جهان، الیاده، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، فراروان، ۱۳۸۴-۱۳۸۶.

۲۱. مدخلی بر کوش در تاریخ ادیان، محمد عبدالله دراز، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

۲۱. دورنمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن، سید قطب، غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۳.

۲۲. ادیان آسمانی و مسئله تحریف مرتضی عسکری، حسن افتخارزاده،

تهران، روزبه، ۱۳۶۳؛ آشنایی با ادیان در قرآن، عبدالکریم زیدان، حسن سرباز، زاهدان، حرمین، ۱۳۸۴.

۲۳. مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه ع. سلیمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان قم، ۱۳۷۷.

۲۴. تاریخ تفکر مسیحی، ت. لین، انتشارات فرزاد، ۱۳۸۴؛ الاهیات مسیحی در قرن بیستم، ا.ج. گرنز و ر. آستون، تهران، کتاب روشن، ۱۳۸۶.

۲۵. راهنمای الهیات پروتستان، ویلیام هوردن، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶؛ فلسفه و ایمان مسیحی، ک. براون، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

۲۶. از یک کتاب نورمن وینسنت پیل این ترجمه‌ها بیرون آمده است: ۱. قدرت معجزه آفرین تفکر مثبت، ترجمه توراندخت تمدن، نشر علم، ۱۳۷۳؛

قدرت عامل افزون، ترجمه فریبا مقدم، نشر البرز، ۱۳۷۲؛ ۳. قدرت زندگی مثبت، ترجمه امیر بهنام، نسل نواندیش، ۱۳۸۵؛ قدرت تفکر مثبت، ترجمه نادر ذاکر حسینی، ناشر: مترجم، ۱۳۸۰؛ نیروی بی کران تفکر مثبت، ترجمه شهناز مجیدی، کتاب‌درمانی، ۱۳۸۴.

۲۷. ماهیت مسیحیت و کشف اسرار آن، م.ب. کامل عبدالله، ترجمه عباس ملارسولی، زاهدان، حرمین، ۱۳۸۴.

۲۸. از آن جمله: عیسی اسطوره یا تاریخ، آر.رابرتسون، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.

۲۹. میسیونرها یا عوامل استعمار (بررسی مسیحیت در اوگاندا)، تایبروندوا، ترجمه علی حسینی، تهران، بنیاد بعثت خانه افریقا، ۱۳۷۴.

۳۰. برخورد آرای مسیحیان با مسلمانان، م. وات، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

۳۱. داتوه المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، عبدالوهاب مسیری، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران، کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه، ۱۳۸۲-۱۳۸۴.

۳۲. سیری در تلمود، آ. اشتاین سالتس، ترجمه باقرطالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات، ...، ۱۳۸۳.

۳۳. جریانات بزرگ در عرفان یهودی، گرشوم شولم، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۵.

۳۴. نقش یهود در ترکیه، نگارشی کوتاه بر فرقه یهودی دو نم، مصطفی طوران، ترجمه مصطفی پورامینی، تهران، سمیع، ۱۳۸۰.

۳۵. یهودیت: بررسی تاریخی، ا. ایستاین، ترجمه بهزاد سالکی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.

۳۶. بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی، ه. ا. ولفسن، ترجمه علی شهبازی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۷.

۳۷. باورها و آیین‌های یهودی، آلن آترمن، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۵.

۳۸. فرزندان استر، گردآوری ه. سرشار، ترجمه مهرناز نصریه، تهران، کارنگ، ۱۳۸۴.

۳۹. انتظار مسیحا در آیین یهود، ج. گرینستون، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات، ...، ۱۳۷۷.

۴۰. پروتکل سران یهود، سرگئی نیلوس، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، رسا، ۱۳۶۴؛ پروتکل دانشوران صیہون، عجاج نویض، ترجمه حمیدرضا

شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳؛ پروتکل رهبران یهود... زیر نظر هرتزل، ترجمه به روسی س. نیلوس، ترجمه بهرام محسن‌پور، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۲؛ میراث نخبگان یهود... ع. نویهض، ترجمه عبدالهادی بروجردی، تهران، آسا، ۱۳۷۸.

۴۱. مانند سیدپور، ترجمه یونس حمامی لاله‌زار، انجمن کلیمیان تهران، ۱۳۸۶.

۴۲. یهودیت، مسیحیت و اسلام، اف. بی. پیترز، ترجمه حسین توقیقی، قم، مرکز مطالعات ادیان...، ۱۳۸۴.

۴۳. قرآن و کتاب مقدس، درون‌مایه‌های مشترک که دنیاز ماسون، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، سهروردی، ۱۳۸۵.

۴۴. خدانشناسی از ابراهیم تاکنون، ک. آرمسترانگ، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳؛ ترجمه‌ای دیگر: تاریخ خداآوری، ترجمه بهاء‌الدین خرمنشاهی و بهزاد سالکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵.

۴۵. یهود از نظر قرآن، ع. ع. طباره، ترجمه علی منتظمی، تهران، بی‌تا؛ ترجمه‌ای دیگر: چهره یهود در قرآن، ترجمه مهدی آیت‌اللهی، تهران، بی‌تا، بی‌تا.

۴۶. محمد در تورات و انجیل، عبدالاحد داود، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱.

۴۷. داستان تولد بودا به روایت سعدی، تحقیق و ترجمه بدرالزمان قریب، بابل، نشر آویشن، ۱۳۷۱.

۴۸. گزیده جاتنه که: داستان‌های تولد و زندگی‌های پیاپی بودا، حسین اسماعیلی، تهران، شهر کتاب و هرمس، ۱۳۸۴.

۴۹. ایشستین و بودا مک فارلین، آرزو حمی، تهران، پیکان، ۱۳۸۳؛ نیچه و بودایی، ماریسون، بهروز صدیقین، آبادان، پرسش، ۱۳۸۶؛ آموزه‌های بودا و کنفوسیوس، گ. سوماناسیری، ترجمه اکبر برخوردار، تهران، المهدی، ۱۳۸۳.

۵۰. از باب نمونه: بودا، مایکل کریدرز، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳؛ راهب و فیلسوفه ژان فرانسوارول و دیگران، ترجمه سیف‌الله مهران، تهران، علم، ۱۳۸۴.

۵۱. از باب نمونه: راه حق: دما پداده متن بودایی، ترجمه رضا علوی، تهران، فرزانه، ۱۳۸۰؛ چنین گفت بودا: بر اساس متون بودایی، تربیت‌اکا، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴؛ ترجمه‌ای دیگر با عنوان: آموزش‌های بودا، تربیت‌اکا، ترجمه کاووس مفخم اینالو، تهران، سلمک، ۱۳۸۴؛ چنین گفت بودا، بوکودنکو کیو کای، ترجمه هاشم رجب‌زاده، توکیو، بنیاد ترویج آیین بودا، ۱۳۶۳/۱۹۸۴ (چاپ تهران، شهاب، ناقد، ۱۳۷۹).

۵۲. از باب نمونه: دین بودا ب. هاکینز، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰؛ ترجمه‌های دیگر با عنوان آیین بودا، ترجمه علی حاجی‌بابایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱؛ و دین بودا، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱؛ آیین بودا، کازینز، ترجمه علی‌رضا شجاعی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۴.

۵۳. هنر شادمانگی، ترجمه محمدعلی رفیعی، تهران، کتابسرای تندیس، ۱۳۷۸؛ هنر خوشحالی، سرور قاسمی، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۳؛ هنر شادزیستن، وینا زاهدی، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۸۷؛ هنر شادزیستن، شهناز انوشیروانی، تهران، محیط، ۱۳۷۹؛ هنر شادمانگی، ...، ترجمه‌تینا حمیدی و نغمه میزانیان،

تهران، نشر هنوز، ۱۳۷۹.

۵۴. با این عناوین و به قلم مترجمان گوناگون: ۱. هنر زندگی؛ ۲ و ۳. هنر زیستن؛ (دو ترجمه با این عنوان)؛ ۴. هنر شاد زیستن.

۵۵. با این عناوین و به قلم مترجمان گوناگون: ۱. آرامش حقیقی؛ ۲. آرامش در هر قدم؛ ۳. در هر گامی که برمی‌داریم آرامش وجود دارد؛ ۴. هر گام آرامش است.

۵۶. مراقبه بصیرت، گل‌دشت‌این، محمدعیوضی، تهران، سارگل، ۱۳۸۷؛ دو ترجمه دیگر از همین کتاب با عناوین: مراقبه بصیرت؛ مراقبه نشستن در لحظه.

۵۷. آیین‌های کنفوسیوس، دائو و بودا، مینگ دووی و دیگران، ترجمه غلام‌رضا شیخ زین‌الدین، تهران، فیروزه، ۱۳۷۹؛ دگرگونی بزرگ: جهان در زمان بودا، سقراط، کنفوسیوس و امید آرمسترانگ، ترجمه مسعود خیرخواه، تهران، علم، ۱۳۸۷.

۵۸. در تکاپوی تمدن جهانی: سیری در برخورد تمدن‌های بودایی و اسلامی، دایساکو ایکدا و مجید تهرانیان، ترجمه شفق سعد، تهران، قطره، ۱۳۸۴؛ پیوند آیین بودا و عرفان اسلامی، موری موتو، تهران، پژواک، ۱۳۸۳.

۵۹. اخیراً میان هشت ترجمه از گات‌های اوستا تطبیقی صورت گرفته است: گات‌های زرتشت، متن تطبیقی بر اساس هشت ترجمه فارسی، فرانک دوانلو، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۶، ترجمه‌ها عبارتند از: پورداوود، شوشتری، جعفری، آذرگشپ، شهزادی، دوستخواه، وحیدی، و رضی.

۶۰. اوستا: بر گردن هفت هات از گات‌ها، چاپ اول آن ظاهر در پاریس، خاوران، ۱۳۸۲ و چاپ‌های بعدی در ایران، بهجت، ۱۳۸۳، علم، ۱۳۸۶ انجام گرفته است.

۶۱. انتشارات توس، ۱۳۶۹.

۶۲. انتشارات معین، ۱۳۸۶.

۶۴. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، توس، ۱۳۷۲-۱۳۷۵.

۶۵. نشر نقره، ۱۳۶۷.

